



**اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)**

**شهادت قهرمانانه رفیق مرتضی میثمی و رفیق منصور پورجم**

هم میهنان گرامی!

مردم بیباک و ورزنده ایران!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با انزجار و بیگانه‌گری از تسکین‌های حاکم مرتجع جمهوری اسلامی به اطلاع می‌رساند که دو کارگر برجسته و گرانقدر جنبش انقلابی ایران، فدائیان، راستین خلق رفیق منصور پورجم عضو کمیته یالتی خوزستان و رفیق مرتضی میثمی دبیر کمیته ناحیه‌ای شرق تهران در زندان اوین بدست دژخیمان رژیم به شهادت رسیدند.

**نقش و ضرورت هسته‌های مخفی کارگری**

نیروی طبقه کارگر در تکوین انقلاب و پیروزی آن نقش قطعی داشته در دوران پس از آن، طبقه کارگر جمهوری اسلامی در برابر امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی و سازشکار حمایت می‌کند. محاصره اقتصادی امپریالیسم و تلاش برای ارتجاع و نیروهای سازشکار در تولید رابیتا افزایش تولید غنشی می‌نماید. در دوران کشتی انقلاب در مبارزه همه اقشار خلق برای تحقیق آماجهای مشترک فعالانه شرکت داشت و کشتی این مبارزه را در تنظیم و طرح مطالبات خود منعکس می‌کند.

کارگران ستون انقلاب بهمن بودند. در حفظ انقلاب و گسترش آن نقش قطعی داشتند. رهبران رژیم هم، آنگاه که هنوز به آماجهای انقلابی خیانت کرده بودند، ناچار حقیقت اعتراف می‌کردند. اما با تغییر سیاست و سمت‌گیری رژیم هیئت حاکمه فدائیان را عظیم نموده کارگران را نادیده نگرفتند و تنها مطالبات بحق آنان را برآورده نمیکنند. بلکه مبارزات کارگران را با خشونت سرکوب میکنند. چرخش‌های حاکمه بر راست و تشدید اقدام مقابلان با مبارزات کارگران، کارگران را در برابر شرایط متفاوت با گذشته قرار داده است. در حالی که کارگران ایران این واقعیت که حکومت در جهت کلان سرمایه داران قرار گرفته است و از آن سرکوب روی کارگران شلیک میکند با وضوح هر چه بیشتر برای پذیرفته می‌شود. در این محافل هم جنبش کارگری توده کارگران را دعوت میکنند که در مبارزات جاری، نیروی عظیم خود متکی شوند. تجربه جنبش قانون کار در زیر کشیدن توکل وزارت در کنار ردن قانون کار ارتجاعی او و رد پیش نویس ارتجاعی جدید و نیز تجربیات عملی مبارزات اخیر، توده کارگران را بیشتر قانع کرده است که راه نجات آنها در وحدت و تشکیلات است. در محیط های کارگری این فکر گه راه خروج از وضع فلاکت‌بار کنونی عمل مستقل کارگران تحت رهبری تشکیل مستقل آنان است، نفوذ عمیقاً روزافزون میساید. رسوخ این اندیشه در لایه‌های مختلف کارگری نیروی آنان را برای مبارزه آزاد میکند و نیروهای تازه‌نوازه‌تری از کارگران را با صفوف جنبش کارگری سازماندهی می‌کند. تقویت دائمی جنبش کارگری با نیروهای تازه موجب آن شده است که سیاست سرکوب هیئت حاکمه به نتایج دلخواه او منجر نشود و حکومت در جلوگیری از گسترش دامنه توده‌های مبارزه عاجز بماند. این واقعیت که تنها در شش ماه اول سال جاری حداقل صد مورد اعتصاب کارگری روی داده است نشان دهنده عزم راسخ کارگران به ادامه مبارزه در این شرایط سرکوب و خفقان و درماندگی هیئت حاکمه در جلوگیری از گسترش این مبارزه است.

در دور جدید مبارزات کارگری، تسلیل توده کارگر به حرکات جمع‌تر، دربرگیرنده روش‌های موثرتر و مبارزه سازمان یافته تر تقویت شده است. این نیروی عظیم مبارزه را تنها و تنها می‌توان در سازماندهی عملی و مستقل کارگری سازمان داد و هدایت کرد. کارگران تشکل مستقل کارگری می‌خواهند تا این سلاح را در دست گیرند و علیه دشمنان خود مبارزه کنند. آرایش و وفاداری کارگران برای ایجاد و حفظ و گسترش تشکل کارگری و برای خارج کردن رهبری تشکلها از دست رژیم است.

ما موران رژیم با کاربست انواع شکنجه‌های جسمی و روانی تلاش کردند تا رفتار را از یاد آوردند و شکنجه و تسلیم مقاصد شوم خود کنند. اما مقاومست قهرمانان نه فقط همه تلاشهای دژخیمان را با شکست مواجه کرد. آنان سر بلند ایستادند و تسلیم نشدند. دژخیمان وحشیانه به انتقام روی آوردند. رفقا مرتضی میثمی و منصور پورجم را به زندان خوزستان در شکنجه‌ها به شهادت رساندند و از بیم شمسای مردم زحمتکش حتی از جرح خیابان جنایت فحیح در مطبوعات حتی جلوگیری کردند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بخاطر تابناک و همیشه جاویدان رفقا منصور پورجم و مرتضی میثمی درود می‌رساند و به خانواده و بستگان رفقای شهید تسلیمت می‌گوید. کمیته مرکزی ایستادگی دلیرانه و حماسی رفقا پورجم و میثمی را ایستادگی و وفاداری سازمان را به مؤختن از ایمان انقلابی و وفاداری عمیق آنان به راه و آرمان زحمتکشان، بسنرا همه ما را زورپراختار فدائیان خلق فرا میخواند.

در این خون چکان لحظه‌های پراز عشق و کین عهدی میثمی که همچون روزبه‌ها وارانها، همچون جزئیها و گلشیرها، همچون حمید اشرف‌ها و دیگر شهدا ما را تا آخرین نفس با ایثار همه هستی‌مان به راه خلقها ما را وفادار با شیم. عالمتربین آرزوی ماست که رهروان صدیق و پاکیزه‌ایان رفته‌مان با شیم.

هم میهنان عزیز!

سران رژیم جمهوری اسلامی از این جنایات شیطانی دست بردار نیستند. آنها که راه خیانت به شما و انقلاب شما را طی میکنند میخواهند صدای اعتراض و مبارزه شما علیه این خیانت بزرگ را خاموش کنند. آنها که در راه حمایت از سرمایه داران بزرگ و خانها و فئودالها و در راه سازش با بقیه در صفحه ۳

**اعتراض مردم، ایستادگی زندانیان سیاسی**

**و فریاد کارگران رژیم**

بنابر اعلام مسئولین رژیم، سران جمهوری اسلامی هیئت تازه‌ای متشکل از حکام شرع و مسئولین قضایی را به منظور رسیدگی بوضع زندانیان تشکیل داده‌اند. در ترکیب هیئت تازه چه سره منفوری نظیر آیت الله محمدی کیلانی حاکم شرع اولین حضور در این هیئت نظرات و اقدامات این هیئت درباره زندانیان بر پایه نظرات با روحیان، روسای زندانها و حکام شرع، یعنی حیاتیکارانی نظیر کیلانی و لاجوردی، استوار است.

حضور حیاتیکارانی نظیر کیلانی که با حکم آنها هزاران نفر از زندانیان زیر شکنجه و سایر در برابر جوخه‌های اعتدال به شهادت رسیده‌اند اقدامات آنها خود مظهر تسکین رژیم علیه زندانیان سیاسی است و عواقب فزاینده سران خائن جمهوری اسلامی را برملا میکند.

بدستور همین آقایان و قبل از همه شخص آیت الله خمینی است که دهها هزار نفر از مبارزان راه استقلال و آزادی و از مردم مبارز کوچجه و بازارد رسیه‌های رژیم به بند کشیده شده‌اند.

اکنون نیز سران رژیم در راه سرکوب آزادیخواهان ایران، احزاب و سازمانهای مترقی ایران و مبارزات مردم مدبوحا به تلاش میکنند و مرتکب جنایات بی شمار میشود. اما آنها با تشدید رودرویی مردم و با افشای گری گسترده و ایستادگی احزاب و سازمانهای مترقی ایران و مقاومت حماسی زندانیان و اعتراض در حال گسترش محافل و نیروهای دموکراتیک جهان و سرور و خنده‌اند. هدف کاروانهای اخیر سران رژیم پیرامون زندانیان هم کاهش فشار مردم و نیروهای دموکراتیک ایران و جهان است. سران رژیم خیال میکنند که با سرکوب مردم و نیروهای دموکراتیک ایران به همه بقیه در صفحه ۵

**دگرگونیهای درونی جمهوری اسلامی**

**و تاکتیک امپریالیسم**

هر روز که می‌گذرد توجه به دگرگونیهای درونی جمهوری اسلامی، در چارچوب نقشه‌های آمریکا و دیگر امپریالیستها برای بازیگری و سازشکاری مواضع از دست رفته‌شان در ایران اهمیت بیشتری می‌یابد. اکنون به آسانی می‌توان دید که کاروانهای سیاست پردازان امپریالیستها بیش از هر زمان سیاه رنگی و برتری رخ داده در نهادهای حکومتی و مراکز قدرت جمهوری اسلامی مشغول شده اند و غرب با انتظافات پذیرایی بسیار به سیاستها و اقدامات و تبلیغات خود را آنچه "تحولات مثبت در جمهوری اسلامی" می‌نامد هماهنگ می‌سازد.

در چند ماه گذشته یک رشته از رویدادها که مهمترین شان دیدار و گفتار با ایران، و دلایح سترو شده دولتی کردن تجارت خارجی از سوی شورای نگهبان و فرمان برنظین چهارم شهریور خمینی به دفاع از تجارت آزاد و آزادی لگام گسیخته کلان تاجران بودا طمینان امپریالیستها به تدابیر و تاکتیک استتکاری ارتجاعی حکومت را بسیار افزایش داده است. از این رویدادها در میان آید و پوزسیون ارتجاعی جمهوری اسلامی، از شاه پرستان مشروط و نا مشروط گرفته تا انبوه رهبران و وزیران معزول و نامعزول نیز شور و جوی افتاده و جمعی از رخصتمیرو دست کشیده و توبه و تدبیر روی آورده‌اند.

پرسش این است که دگرگونیهای درونی جمهوری اسلامی در نقشه امپریالیستها برای ایران و در مناسبات آنها با حکومت آیت الله خمینی بطور مشخص چه تغییری پدید آورده است؟ پیش از این می‌توان پاسخ داد. مناسبات متقابل جمهوری اسلامی و غرب همچنان در حال تکوین است و روند تکوین نیز زیر سایه عوامل بسیار گوناگونی قرار دارد. بنا بر این همانگونه که تعیین مضمون و سمت اصلی سیاستهای آمریکا و متحدین آن در قبال دگرگونیهای جمهوری اسلامی اهمیت دارد، شناخت و محاسبه دقیق مجموعه شرایط و عواملی که بر این سیاستهای امپریالیسم تأثیر می‌گذارد نیز بر اهمیت است.

آنچه امپریالیستها "تحولات مثبت درونی" جمهوری اسلامی" می‌نامند نه یک یا چند رویداد بلکه یک روند همه جانبه را شامل می‌شود. این همان روند ارتجاعی است که به حاکم شدن ارتجاع بر کشور و هجوم برای نابودی همه دستاوردهای انقلاب بهمن و تسکین ربهای کنونی حکومت آیت الله خمینی علیه مردم و میهن انجامید.

استقرار استبداد خونین مذهبی و سرکوب آزادیهای سیاسی و حقوق مردمی، هجوم دندستانه به حزب توده ایران و شعله و رکورد کمونیسم ستیزی و شوری ستیزی، رد فواین اصلاحات ارضی و دولتی کردن بازرگانی خارجی، دفاع از کلان تاجران و سرمایه داران و زمینداران بزرگ، سرکوب مبارزات کارگران، دهقانان و دیگر اقشار مردم زحمتکش در پیش گرفتن سیاست درهای باز و گسترش پرستیاب مناسبات اقتصادی و سیاسی با امپریالیستها، و به موازات این همه ادامه جنگ و بیرونگر عده عناصرتشکیل دهنده این روند هستند. در این میان سرکوب کمونیستها و دیگر نیروهای مترقی کشور و تسلط و ساختن شوروی ستیزی از یکسو و حفظ و تحکیم نظام اقتصادی مشروط با زمانه ارزوم شاه از سوی دیگران جلغهای اصلی هستند که آمریکا و هندستان بقیه در صفحه ۲

**اظهاریه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)**  
**این صحنه سازیها را محکوم می‌کنیم**

در صفحه ۴

**"پیام"**

رفیق سیاوش کسرای شاعر انقلابی کشور ما و رزمنده پیگیر حزب توده ایران به مناسبت برگزاری پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) "پیام" را سروده است در صفحه ۲

**جنگ را قطع کنید، مردم صلح می‌خواهند**

**دگرگونیهای درونی جمهوری اسلامی و ... بقیه از صفحه اول**

موردوران آن برای کشاندن جمهوری اسلامی براه خواستد خویش از آغا زبیر آنها با شتر شدند.

خمینی و یاران او همواره می گفتند که آمریکا با اسلامی بودن حکومت و حاکمیت روحانیون دشمن است اما هراس آمریکا و متحدان آن از انقلاب بهمن و استیغریز نهاد میریالیستی و ترقیخواهانه حاکمیت جدید بود پس هنگامیکه رهبران جمهوری اسلامی به مردم خیانت کردند و رهبر و همجواری روندهای ارتجاعی شدند، آمریکا و کل غرب نیز تطبیق نقشه های خویش با شرایط جدید و تجدید مناسبات با حکومت آیت الله خمینی را آغاز کردند. آنها همان گونه که گذشت پس از سفر سه روزه اش به ایران جمع بندی کرده است به این نتیجه رسیده اند که: تمایل دولت ایران به عادی کردن روابط آن با غرب منطقی و درست است و غرب باید به آن نظر مساعد نشان دهد. این جمع بندی البته تا زگی نداشت بلکه تکرار تا آینده میسر جمع بندی سران هفت کشور امپریالیستی در گردهمایی ویلیا مزیورک بود که به نوشته مطبوعات غربی منصفانه تر بود که در آنجا دیدارهای اخیر ایران برای بهبود رابطه با غرب، تا میزند به گرمی پاسخ دهد. امپریالیستها با امیدواری به تحولات مثبت درونی جمهوری اسلامی در کنفراانس ویلیا مزیورک به این نتیجه رسیدند که: برای سوق دادن دولت ایران به جانب دولتی میان روپایستی به دریای سرستان دادن آن روی خوش نشان داده شود.

که امپریالیسم در اینجا آن نقش عمده داشتند است انجام می پذیرند. آمریکا و متحدین آن از هزاران راه و با هزاران تیرنگ برای فرسودن انقلاب بهمن و دستخوار کردن جمهوری اسلامی کوشیده اند و امروز نیز سعی دارند تا کارگردانان درونی جمهوری اسلامی باشند.

**حک ایران و عراق که آماج اولیه آن تجزیه کشورها و درهم شکستن انقلاب بهمن بود در فراموش کردن شرایط شکست انقلاب و مسخ جمهوری اسلامی و تسلیم رهبران رژیم از همه تا گنجیکها امپریالیسم بیشتر تا تیرگذا رده. لذا او جنگ امروز نیز بستن برای امپریالیسم، یک اهرم اطمینان بخش جهت تسلیم رهبران جمهوری اسلامی است.**

امپریالیستها برای تقویت و تسریع روند نزدیک جمهوری اسلامی به خود همچنان بدقت از سیاست تهدید و ترغیب بهره می گیرند. آنها یک دست رژیم را به گرمی می فشارند و دست دیگر آنرا سختی می بچکانند. با یک دست نفت را تحویل می گیرند و با سلحه و کالاهای مرفهانه جمهوری تحویل می دهند و با آن قمارهای کوتاه مدت و دراز مدت اقتصادی می بینند و با دست دیگر آنرا پیش از پیش دریا طلاق جنگ عرق می زند و به حمایت تسلیحاتی و اقتصادی محتاج می کنند و شمشیر آریا مهرشان خود را به تهدید در برابرش به نمایش می گذارند. "شیطان بزرگ" می گویند تا جمهوری اسلامی را با ذلت بسنجی بیعت نکشاند.

نکته دیگری که باید بر آن تاکید کرد این است که تکیه بر تحولات درونی جمهوری اسلامی، رنقشده امپریالیستها به معنی بی اعتبار شدن دیگر شقوق و با کم توجهی امپریالیسم به آنها نیست. امپریالیسم با یک دست با زنی نمی کند، خصوما وقتی با زنی هریمتی او در شرایط بفرنجی چون شرایط کشور ما در مقابل رژیم برتناقضی چون رژیم کنونی ایران باشد.

کشور ما کشوری است دارای استقلال سیاسی و این دستاورد بزرگ انقلاب بهمن است. مردمی که این استقلال را کسب کردند بد شدت نگران آنند و از آن با قاطعیت دفاع می کنند، بنا بر این اگر چه رژیم استقلال کشور را با سیاستهای بسیار ارتجاعی در معرض خطر جدی قرار داده اما امپریالیسم برای باز پس گیری و بازسازی مواضع از دست رفته اش خود با این مشکلات و موانع متعددی روبرو می بیند. گزینش تا کنون تکیه بر تحولات درونی رژیم از سراجبار است و به اختیار، امپریالیستها به تحولات درونی جمهوری اسلامی خود گویای آنست که آنها تا این منافع خویش را در گرو پیرومده شدن یک روند می دانند که با عوامل گوناگون مشروط می شود. بر این پایه با قاطعیت باید گفت که آمریکا و همدمستان آن به یک انتخاب ساده بین مطلوب ترین امکان که شاه برستان با خود و با فعل ترین امکان گسسه ارتجاعی خاکم با شدن نمی دهند، بعکس در حالیکه

می کشند هر دو خصوصیت در یکی جمع شود و راه رسیدن به مقصود تا حد ممکن نزدیک و آسان گردد، امکان است خود را بر عرصه مطرح اهریمنی خویش چنان سازمان می دهند که تسلیم رهبری جمهوری اسلامی زیر فشارهای از جهات مختلف تسریع شود و در عین حال از راههای مختلفی بتوانند به مقصود خود که احیای مواضع گذشته شان با شد نزدیک شوند.

تغییرات حاصله در سیاست امپریالیسم نسبت به حکومت اسلامی سرچشمه تغییرات مناسبتی در مواضع نیروهای وابسته با یوزیسون ارتجاعی شده است. طبیعی است که بسیاری از دلایل امپریالیسم برای امید بستن به ارتجاع حاکم مستقیما می توانند برای نیروهای یوزیسون ارتجاعی نیز جهت ویا سرچشمه امید باشد، اگر راههای تازه ای برای برآزیر شدن سرما به آنها و متخصصین و ما مورین غرب به ایران باز شده چه دلایلی دارد که سرما به ایران و متخصصین و ما مورین آریا مهری زود ترا زهمه را همان راهها به "وطن" باز نگردند و با ط خویش را نگترانند؟ افزون بر این باید گفت که آشتی دادن جمهوری اسلامی با این زیاده های نفاذ شده جامعه ماسورای غرب از اهمیت بسیاری برخوردار است و خود را مثل تضمین کننده دیگری برای اعتماد آن به جمهوری اسلامی است. ارتجاع حاکم نیودلیتی نمی بیند که بسیاری از این نیروها را "برای خدمت به وطن" قرار نخواند. به صورت شاه راه سود سرما به آنها همه یک سمت دارد و می تواند عسای رحمت جمهوری اسلامی را مشترک با کشند.

بر اثر چنین رویدادهایی است که می بینم در میان فراریان مرتجع و غرب گزرا بحث در افتاده و اینجاست آنچه زیت های غرب برای جلب رژیم آیت الله خمینی آغاز شده و چکه و چاه های در برده و به پیس رده سران این دارو شده ها با مرتجعین حاکم بر صفحات مطبوعات غرب نیت می بیند.

روزگاری آیت الله خمینی گفت: "آزادی را که آمریکا از ما تعریف کند با بدعا اگر نماند امروز که کارتر و ریگان از ما تعریف کند معلوم می شود در ما اشکالی پیدا شده است. تک نیست که این گفته ها کلا ملامت رسیده و مردم نیز آنها را با و برگردند و با سپردند. اکنون که رهبران جمهوری اسلامی خود به دلجویی و جلب اعتماد غرب متفولند البته دیگر از شنیدن تعریف و تمجیدهای آمریکا و غرب اگر آهی بدل راه نمی دهند، بعکس تا در وقت خرنیز می شوند. اما مردمی که نمایهای بر طمراق آنان را با و برگردند همان شعارها بر فرقی این "رهبران" می گویند. بسیاری از توطئه های امپریالیسم و ارتجاع علیه آزادی بهروزی کشور ما احتمالات گوناگون است اما بقتن این است که چهل میلیون ایران، آینده در کوره انقلاب هرگز نخواهند گذاشت که آن آب های رفته به جوی دشمنان باز نگردد.

در آن کنفرانس امکان "میان بردن حکومت ایران، یعنی هماهنگ شدن آن با خواستهای امپریالیستها مورد تاکید قرار گرفت و تا کنون هیچ رژیم در نقشه های آنان با هم جای مهمتری پیدا کرد. از آن زمان تا کنون "سانگونه که پیش ترا اشاره شد رویدادها در جمهوری اسلامی با آنچه امپریالیستها "تحولات مثبت" می نامند اینک محاسبه آنان را تدقیق و تقویت کرده است آمریکا و همدمستان پیش از این قانع می شوند که اولاً حفظ و تحکیم مستگیری کنونی جمهوری اسلامی در مسمت تا مین منافع آنهاست، ثانیاً امروز اقمی در مسمت شق و با لعل ترین امکان برای پیشروی در مسمت تا مین منافع چپا و لگرا نه شان تکیه بر "تحولات درونی جمهوری اسلامی" و کشاندن هر چه بیشتر و تند تر حکومت آیت الله خمینی به راه مطلوب خویش است.

امیدواری فزاینده امپریالیستها به تحولات درونی جمهوری اسلامی هرگز بدین معنی نیست که آنها به سر خود بخود این دگرگونیها اطمینان دارند و با سرچین چیزی تکیه می کنند. بعکس دگرگونیهای ارتجاعی جمهوری اسلامی عمیقاً زیر تا نیر تلاشها و توطئه های امپریالیسم بوده و در شرایط

درینا طرفه پهلو ان که میدان رزمشان بلعید اما گنج آزمون و عطر با ورشان بجای ماند و درینا آن گنگشته سندان که جز شهید و گرد نعلشان را در آسمان یاد خویش نداریم و شادا پیوند امید آفرینمان به پویه و کار و بیگار و توان تناور ارتش رنج که با ماست و باید نبرد آخرین را به پیروزی بنشانند.

قطره ایم، اما بی سکون شبنم، نه دانه، ترپاشی که روح تلاش در پیگر ماست.

ای قطره های اشک و خون و عرق دریا را به کام بگیرد که مستی بدین جام، نوشتان باد!

با خون برخاستگان، اینک به اندیشه می نشینند تا با کلک هنر بر طومار تاریخ فرمائی دیگر بنویسند و لحظه ها - با کاسه ها شان تهی - در مفاکرسنگان روزی بیگانه، خود می خواهند و نه هر خورش که گوارش آنرا بر نمی تابند: شیرمال خرد، دستپخت توده، برآمد از تنور تجربه.

**"پیام"**

همه، بال های اشتیاق را می شنوم که در افق پارو می کشند و پیش می آیند.

سرود امواج را می شنوم که از کرانه ها می آیند تا توفان را در خیزاب معهود بسپح کنند.

آه جشن شهاب هاست که آسمان راه باز می کند و سحر در می کشاید و پلنگان به برآمدن ماه سرخ بدین قله فراهم می شوند.

خوشا برآمدن بنای بهروزی که از آبروی یاران و پیگر رفیقان شما آب و گل میگیرد و خوشا ریشه در خون داشتن و شاعر به سببانی خلق افراشتن.



به وطن نگاه کنید!  
به قفس برندگان سیا هیوش که نوک های خونین دارند.  
به خاکش نگاه کنید  
که غبار سرخ لاله ها از آن بر میخزد.  
به جاده هایش که در آن کاروان های فقر و آوارگی موج میزند.  
و آسمانش که ابر خشم بر آن گروه می بندد.  
گوش بداریدش!  
صدای مویه است صدای شلاق هاست که آتی نمی برد صدای سرودها و رگبارها و این آتش و دود و دود و دود و بوی سوختگی که از مرزهایش بر میخورد کماندان را و کمین گردگان را بر جانش ببیند!  
و چنبره، دام را که بزم بیشتر بر او تنگی می کند...

اینک بگویند آن کلام که باید اینک بنویسید آن واژه که شاید!

شب خوش!  
ستارگان بچیگره، شب خوش!  
شما را به گنگاش روشنانه وامی گذارم و خود - چشم بر زمین مادر - پاسدارانه همچنان به شکر دی آواز می کنم.

سیاوش کسرائی  
مهر ماه ۱۳۴۳

# استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

اطلاعیه کمیته مرکزی

امیریا لیستهای غارتگری پیش میروند. میگویند فرزندان دلبر و جانیها را از سر راه بردارند. همین دلیل تلاش میکنند پس کردن تورهای تعقیب و مراقبت انقلابیون سرشناس با زمان دهندهگان و مقاومت شاد در برابر ارتجاع حاکم را بدام اندازند و سپس از چشمها و همچون خفاشان خون آشام و شب پرست، آنان را در تار و پودهای اوین و دیگر شکنجهگاهها سر به نیست کنند.

پس از چند ماه با زداختن به اجرا گذاشته اند. اکنون نزدیک به یکسال لوئیس است که فداایی سرشناس و قهرمان اینها را ویستا دگی در زندانهای رژیم شاه، عضو مشاور هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رفیق انوشیروان لطفی توسط عمال رژیم برده شده و تاکنون کوچکترین اطلاعی درباره وی بدست نیامده است.

انقلابیون و میهن پرستان بیباخیزه آنان دهها هزار زندانی سیاسی در سبزه چالهای رژیم در نظر است. دست دژخیمان را از جان فرزندان دلبستر و قهرمان خود کوتاه کنند. ایمان داشته باشیم که مبارزه مستحکم ما قیامت را در است عمر این روزهای تیره و تاریک را که ارتجاع حاکم بر سر مناسبت محتمل کرده است کوتاه تر سازد و پرچم پیروزی و رهاشی را از نو برپا میهن برافرازد.

چیزی نصیبشان نمیکرد در حالیکه شعار میدادند مگر از روی جنازه های مارتشون شده و تخلیه کنند. آنجا را ترک کردند.

تخریب خانه های محروم مردم محروم با خون و دل سرهم میکنند. همچون اقدامات مشابه آن در زمان شاه منصور باختم و مقاومت شدید مردم مواجه میشود. در عدل آباد (حاده بهشت زهرا) اهالی محل بر سر ما موران شهرداری و کمیته که مشغول تخریب خانه بودند ریخته، آنان را مطلقاً کتک می زنند، ماشین کمیته را سرنگون کرده و مجبورشان میسازند که فرار کنند. این حادثه عیناً در قلعه مرغی تکرار شده و بصورت های دیگر نیز در جیب تگر، نادشهر، محله دولتی حاده ساوه بائین افسریه و قسمتهای مختلف حاده های خراسان، ساوه، و رامین، قم، کرخ و... وجود داشته است. در باقرآباد شهری ۱۵ ساختمان توسط شهرداری خراب شده و مقاومت مردم سراسر توسط سپاه سرکوب می شود.

در شهرک قدس (قلعه حسن خان سابق) ما مورین اوقاف مردم راجعه کرده مدعی وقتی بودن زمینها و پرداخت اجاره میشوند. بدستمال امتناع مردم با آوردن چند لودر به تخریب خانه ها میپردازند که اهالی با آنان درگیر شده ما موران شهرداری را کتک زده و لودر را آتش می زنند، اما اعتراض و مقاومت مردم با محله بسیجی ها و نیروی گمنامی این شهر سرکوب میشود. در این حادثه مردم باختم و کینه علیه حکومت و شخص خمینی شعار میدادند.

فقدان آب و برق نیز ارجله مسایلی است که مبارزه توده های بسیار گسترده ای را در همه شهرهای ایران برانگیخته است. مینوان گفت که مبارزه شجاعانه مردم افسریه در سال گذشته، امسال مدام در حال تکرار است. علاوه بر آنکه قابل توجه در این مبارزات نفس و فعالیت است یکباره زمان محلات است.

در مرید بدستال قطع آب محله قنبرخین "آق رسی" در خردادما، اهالی با احتیاط در فرمانداری و راهیمایی بطرف اداره آب سرانجام اداره را مجبور به بازگشتن آب می سازند.

در اواسط تیرماه اهالی قنبر نشین شمال شهر خلخال بخاطر نداشتن آب سوری در اداره مزبور احتجاج کرده و از آنجا در حالیکه طی سرحرکت خواسته های خود را بلندگو فریاد می رسد، بطرف شهرداری راهیمایی میکنند. این حرکت سرانجام توسط سپاه سرکوب شده ۱۲ نفر دستگیر و خواسته های مردم بی پاسخ میماند.

در مردادماه ۴۵ نفر از اهالی حومه موشک "اراک" برای کمیته به تظاهرات پرداخته بطرف مرکز شهرداری راهیمایی می کنند. ماشینهای سپاه و کمیته که آنها را به محاصره خودگرفته بودند مانع ورودشان به خیابان اصلی شهر شده آنان را در محله داخل نموده و بدستال بخراش، تهدید، آنها را به محل برگردانده و چند نفر را دستگیر میکنند.

اعتراضات گسترده مردم محلات تهران مانند تهرانسر، نادشهر، خاک سفید، سعوه و... منبری، بافت آباد شهری و... با حرکت های جمعی که زنان نقش بسیار فعالی در آن داشته اند در تمام ماههای تابستان حیران دانه است، از جمله در حوالی فردیس کرخ ریان دست به تظاهرات در رابطه با آب می زنند که سپاه توهین و فحاشی علیه آنان پرداخته و در قبال اعتراض زنان با تیراندازی هوایی آنان را بترسانده می سازد.

برخی حرکت های اعتراضی و مطالباتی مذکور از نمونه هایی است که نشان میدهد استخوان استخوان و مبارزات شکل حودانگیزه و سزاکننده روزیافته، بدون سازمان و سربامه و رهبری منب بعد از ۲۷

جاودان باد خاطره تابناک فدائیان شهید رفیق مرتضی میثقی و رفیق منصور پورجم

یادنامه رفیق شهید مرتضی میثقی  
رفیق شهید مرتضی میثقی دبیر کمیته ناحیه ای شهران و کا در برجسته سازمان در سال ۱۳۴۵ در یک خانواده فرحمنگین و پرجمعیت در یک محله قدیمی شهرخان قزوین دیده جهان کشف. پدر او خانواده را با درآمد ناچیزی که از تزیق آمبول بدست می آمد، اداره میکرد. اهالی قزوین بخوسی یاد دارند که چگونه آمبول رن برپا یافتی میسده با دو چرخه خود در محلات شهر به نجات بیماران میشتافت. رفیق مرتضی، استقامت برپایداری، تلاش، فداکاری و روح زحمتکش را قریب از همه از پدر آموخت.

رفیق مرتضی در دوران دبیرستان به فعالیتهای برنامهریزی روی آورد و بسیار با شما همگامی را در نشات فرسوس سماجی گذشت که مورد استقبال مردم واقع میشد. سپس در دانشکاه اصفهان پذیرفته شد و در آنجا رفیق مرتضی میثقی بزودی از چهره های سرشته مبارزات فرهنگی دانشگاه و از فعالان شاخص مبارزات دانشجویی شد.

پس از پایان تحصیلات آموزگار شد. دو سال در شهر میندا آموزگاری کرد. سپس در زادگاهش آموزش دانش آموزان را ادامه داد و در دوره بهترین و سرچشمه ترین آموزگاران شهر شد.

رفیق مرتضی در قزوین با دیگر تارتاران مبارزه علیه رژیم استبدادی شاه به خدمت گرفت و نشانهای رورهای جمع را به کارگران صنعتی اختصاص داد. رفیق صن فعالیت هیری و آموزگاری، کار آگاه - گران در میان جامعه معلمان شهران سازمان داد و در شکل آنان تلاش کرد. در نتیجه فعالیت و وی همسرمان کمیته نیرومندی از معلمان مبارز شهر سکیل شد و رهبری مبارزه جامعه معلمان شهران بدست گرفت. خوب رهبری این کمیته، اعتبارات فرهنگی در گرفت که فضای مبارزاتی شهر را دگرگون کرد و کاسون مبارزه شهر بدل شد. نقش او در سازماندهی و رهبری این امتناع بی بدیل بود. رفیق در همین زمان گروهی در هواداری سازمان تشکیل داد و به سر وسیع موانع سازمان کوشید.

در آردماه ۵۷ بدستور رهبری سازمان رفیق مرتضی در احیای مبارزات حزبی در قزوین فعالانه شرکت کرد و نقش برجسته داشته و با تمام قوا در گردآوری سازماندهی کارگران، معلمان و جوانان تلاش نمود.

با سروری انقلاب، کاسون مستقل معلمان قزوین را تشکیل داد و در ایجاد شوراهای معلمان و دانش آموزان نقش تعیین کننده داشت.

در انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی کمیته مرکزی رفیق را برای نمایندگی مردم قزوین معرفی کرد. علیرغم خرابکاری عوامل ارتجاع و نایدهای حزب جمهوری اسلامی، متینک انتخابی رفیق با استقبال بی نظیر مردم روپوشد و هزاران نفر برای شنیدن سخنان او هجوم آوردند. مبارزات پر اعصاب و روپوشان از بهرینان گردیدند. این اولینین ساردر شهر قزوین بود که نماینده یک سازمان کمو - سستی آن جن هزاران فرزان اهداف مبارزه و سرانجام میبگیند.

در اوایل سال ۵۹ جلاان اوین را با زداختن کرد. اما از او هیچ مدرک بدست نیامد و زندان او سظ سال ۱۳۶۰ زدا کردید. پس از آزادی در رهبری سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) مبارزه

مسئله مسکن و مبارزات مردم

بی خانمانی و نداشتن سربانهی برای زندگی درد بزرگ اکثریت مردم شهرهای ایران است. سبیل هزاران مهاجر محروم روستایی که بر اثر سیاستهای ضد مردمی ارتجاع حاکم خانه خراب و در در شده اند، و آوارگی بیش از دو میلیون زخم میهن مادر رتیجه ادامه جنگ خانمانش وضع مسکن را برای توده زحمتکش کشور میسازد از بیسی اسفناک ساخته است. گسترش سرانجام آسایشی میکنی و رهاختن مسئله مسکن از سوی حکومت، حمایت ارگان سرمایه داران واجب آیارتمانیهای بی شمار، سیاستهای ضد مردمی، محروم نگه داشتن توده انبوه ساکنین محلات بائین شهرها از ابتدائیترین سازه های زندگی و تخریبی برنامه خانه های محقر آنها و... موجب خادترین اعتراضات و مبارزات توده ای میشود.

تخلیه آیارتمانیهای اجاره ای با حکم حکام شرع جمهوری اسلامی و با تهدید و اعمال زور ما مورین یکی از رویدادهای هر روز در شهر است. ما مورین با ت. در جریان اقدامات اغلب بین مردم ما مورین رو در روئی و درگیری میسازد. مثلاً جندی پیش ساکنان آیارتمانی در خیابان کنکوری بعنوان اعتراض یک شانه روزی کنار انباشت خود در خیابان می نشینند کسه سرانجام توسط باطلران تراکنده میشوند. در مورد دیگر ساکنان آیارتمانی که حکم تخلیه آن آمده بود بعنوان اعتراض با طوفی مجلس جمع میشوند و بعد از سخنان نماینده ای که

را ادامه داد. با محله ارتجاع به حزب توده ایران و بیگردد رهبری و کا درهای سازمان، رفیق در مسئولیت رهبری یکی از کمیته های ناحیه ای تهران قرار گرفت. در این دوره با کار ادانی، هوشاری احساس مسئولیت نیروهای تحت رهبری خود را در مبارزه هدایت میگردد و رهبری سازمان را دقیق و منظم با کار ربات در جریان رویدادها قرار میدهد. رفیق در یکی ز گزارشات فروردین ماه ۶۳ خود نوشت: " این وظیفه هر کا در مسئول و عضو سازمان است که در سراسر هر گونه تهدید و جوارع آب از سوی حکومت، دلآوران با جسارت کافی و روحیه مقصوم و رزمنده بزرزد.

در گزارش اردیبهشت ماه نوشت: " طبقه کارگر تنه آگاهی است اعلامیه هایی که به مناسبت انتخابات در تعدادی از کارگاه ها با خانه ها پست شده اند تا بئیر سیار مهمی در آنان داشته و گفته اند اینها (فدائیان خلق) هنوز وجود دارند.

هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان در اردیبهشت ۱۳۶۳ زرحمات و فعالیت رفیق قدر دانی کرد و در رفیق در آخیر گزارش خود در این باره نوشت: " قلم از این تشویق به بلرزه در آمد و انگیزه ام برای ادامه مبارزه دوچندان شد.

سرانجام دژخیمان رژیم ترور و ارتجاع مرتضی را اسیر کردند و به زیر شکنجه کشیدند. آنها نتوانستند بر رفیق مرتضی چیره شوند و از با به زبان مردم و سازمانش چیزی بیابند. پس ددمشا به انتقام روی آوردند و در مردادماه او را زیر شکنجه به شهادت رساندند.

فدائیان خلق از زندگی و رزم و شهادت قهرمانان رفیق خویش سرمشق میگیرند و به شهادت او وفادار میمانند.

خاطره تابناک رفیق مرتضی در قلب معلمان شریف ایران، در قلب مردم مبارز قزوین و در قلب همه مبارزینی که او را میشناختند همواره زنده است.

یادنامه رفیق شهید منصور پورجم در شماره های بعدی نشریه کا در درج خواهد شد  
بر رهرو راهشان جاودان یادشان



### اظهاریه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## درباره اعلام شروع محاکمه اعضای رهبری حزب توده ایران و تعلیق آن این صحنه سازی ها را محکوم می کنیم

هم میبمان گرامی !  
مردم آزاده جهان !

بانک اعتراض و مبارزه شما سران رژیم را و آوار ساختن این باصلاح دادگاه را فریبکارانه «علنی» اعلام کنند و نیز از بیم شما آنها برای جلوگیری از افشای جنایات هولناکی که مرتکب شده اند تشکیل دادگاه را به تاخیر نیاورند. مبارزه و اعتراض شما یقیناً می تواند حکام جمهوری اسلامی را و آوار سازد که درهای زندان را بر روی خیرنگاران همیابا بیطرف بین المللی وکلای مدافع واقعی گشاید و بر جنایات رژیم در زندانها لگام زند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با دیگر صحنه سازی و قیاحانه ای را که ارتجاع حاکم میخواند تحت عنوان «محاکمه» برآوردند از تقویا محکوم میکند و رهبران همه کشورهای ترقیخواه احزاب کمونیستی و کارگری جهان همه سازمانها و نیروهای دمکراتیک و مترقی ایران و جهان را فرامیخواند که با اعتراض هرچه وسیع تر خود، تلاش های ارتجاعی و فدرمیدی مرتجعین حاکم از بزبان انداختن این صحنه سازیها را با شکستی مفتضانه مواجه سازند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آذرماه ۱۳۶۲

هدف رسوای این صحنه سازیها مفتضه که بنام «دادگاه علنی» اعلام شده چیزی نیست و نخواهد بود چنانچه کلاً از ارتشکننده دمکراتیک کمونیستی و فد شوروی، هدف اصلی سران رژیم از برآوردن این محاکمه جلب اعتماد دو طمینان امیریا لیتها و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان است آنها را برآوردن این نمایشات فرمایشی میخواندند به امیریا لیتها و ارتجاع داخلی طمینان دهنده سیاست جمهوری اسلامی علی بنه دشمنان آنهاست و بیکیترین مدافعان انقلاب و مردم در این رژیم جز شکنجه و زندان و اعدام نصیبی نخواهند داشت.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) صحنه سازی تازه و قیاحانه ای را که ارتجاع حاکم میخواند تحت عنوان «دادگاه علنی» برآوردند از تقویا محکوم و مجدداً اعلام میکند که تشکیل دادگاه علنی و عادلانه به معنای آنست که گروهی از بزینگان و کارشناسان بیطرف جنسی قبل از آغاز محاکمه امکان یابند موضع جسمی و روحی زندانیان سیاسی را مورد معاینه قرار دهند، دفع هیات نمایندگی از طرف حقوقدانان دموکرات یک یا یک رگرفته شده برای اخذ «اعتراف» و وثیقه های بکار گرفته شده برای اخذ «اعتراف» را مورد بررسی قرار دهند، به زندانیان اجساز ه انتخاب وکیل مدافع از داخل یا خارج کشور داده شود و مطبوعات و رسانه های گروهی کشور نیز مجاز به انتشار نتایج این بررسیها و جریان واقعی محاکمه گردند.

هم میبمان گرامی !

شکام مرتجع جمهوری اسلامی پس از نزدیک به دو سال شکنجه جسمی و روحی اعضای رهبری و مسئولین حزب توده ایران در سیاه چاله های اوین به صحنه سازی دیگری روی آورده و فریبکارانه اعلام کردند که محاکمه اعضای رهبری جزیتوده ایران بطور علنی در محل زندان اوین آغاز خواهد شد. لیکن چند روز پس از این ادعای رسوا، خود را ناچار دیدند تا بر این بگیرند و با این خیال که بتوانند در فرضی دیگر سیرک تازه ای بکار گیرند، اعلام کردند که «محاکمه» فعلاً آغاز نخواهد شد.

هم میبمان گرامی !  
شما از کارنامه سیاه و خونین جنایات عمال رژیم در اوین و دیگر زندانهای کشور مطلع هستید. کیست که نداند در شکنجه گاهها و قتل گاههای رژیم در این سالها چه گذشته است؟ هیچکس نیست که سوار کند گلهای رژیم بنابه میل و اراده خود حاضر است برای طیمان «دادگاه علنی» تشکیل دهد. اعلام علنی بودن دادگاه و همچنین اعلام به تاخیر آمدن آن هر دو حیلها هستند که حاکم مرتجع جمهوری اسلامی تحت تاثیر اعتراض عمومی و جهانی به جنایات رژیم در زندانها برای فریب مردم ایران و جهان بکار گرفته اند.

### نقش و ضرورت هسته های مخفی کارگری

کارگری راکتومی از دست عناصر و عوامل حکومتداری نده است باید که کارگران را برای رساندن برای کسب ضروری به شکلهای واقعی کارگری مجهز شوند. باید از یکسود و راههای تولیدی یا خدماتی پیوسته در واحدهای بزرگ که سپردلین فاقد اسکونه تشکیلها هستند. آن را سازمان داد و اوسوی دیگر تشکیلهای موجود را بسازی کرد و با طرد عناصر مخفی و کارگری رهبری این تشکیلها، آنان را در مواضع کارگران فرار داد.

ارتجاع همیشه کارگران را متفرق میخواید. از وحدت و تشکل کارگران همواره بیمناک است از اسیر و به موازات تقویت مواضع ارتجاع در حاکمیت بورژوازی به تشکلها و تهاوتیهای کارگری تلاش برای متلاشی کردن و مسخ تشکیلهای کارگری تشدید شده است سیاست هیات حاکمه بر این پایه قرار گرفته است که توده کارگران را از معالین جنبش کارگری و ارتداد و رهبری تشکیلهای واقعی کارگری محروم کند تا مقاومت کارگران را در هم شکند. به همین دلیل حربه اخراج و سرکوب پیش از هر زمان دیگر علیه کارگران بکار افتاده است.

همانطور که تشکلها کارگری و ارتجاع در کسوت توکل را میساختند و رسوای روبرو کرد، این بار نیز تلاش های هیات حاکمه را با کسرتش مبارزه مفتضانه تشکست حوا هداد. در همین راستا باید اقدامات ضرور برای تشکس کار مل تلاشهای ارتجاع حاکم نام شود. در ریاح به این ضرورت باید تا تجربه ترسناک و منارترین و موثرترین کارگران همرا جدت تولیدی یا خدماتی در گروههای جدا گانه، محدود و مخفی، سازمان یابند. وطیبه اصلی این گروه و فعالین جنبش کارگری که آسرا هسته مخفی فعالین کارگری میسایم. رهبری مبارزه جاری کارگران، دفاع از حواست های آنان و نیز تلاش مداوم برای ارتقش حواست ها و وسط مبارزه توده کارگران است. هسته های مخفی باید کسرتش نقش و تا نیز تشکل های کارگری در رهبری مبارزه کارگران را در دراز و وظایف خود فرار دهند.

هر چه وظایف هسته های مخفی بطور کلی روشن است، اما وظایف مشخص آنها در تهاست با مرحله رشد جنبش توده ای کارگری وسط مبارزه کارگران محل و غیره تعیین می شود. در نیمه دوم سال ۷۷ هدف مقدم جنبش توده ای و سندیکاگی کارگران ایران سرنگونی رژیم استبدادی و ولطنتی شاه بود. وظایف هم که فعالین حسن کارگری در برابر کارگران می دیدند، ناشی از این هدف بود. «بر این اساس تشکل مخفی فعالین جنبش کارگری نیز همان هدف را تعیین می کرد و تشکل اصلی مبارزه را نیز اعتماد و تحریم همگانی قرار داده بود. در آستانه انقلاب بهمن مدها کمیته مخفی فعالین کارگری از جمله مهمترین آنان که بنام سندیکا های مستقل صنعت نفت فعالیت می کردند، با این هدف پدید آمده بودند. اما اکنون وضعی است که زمان معنا و تهاست. اکنون مطالبات اقتصادی در مرکز توجه کارگران است. اهداف جنبش توده کارگران عمدتاً اقتصادی است.

یکدیگر نده و نمونه ای از تعلق هوشیارانه کارمندی با کار علنی هستند. تحول شرایط تعیین می کند که کدام یک چه نقشی در مبارزه کارگران برعهده گیرند.

بطریق اولی هسته مخفی کارگری یک گروه بندی سیاسی یا یک حوزه حزبی نیست، بسود مساباره کارگران همرا احداثت که همه فعالین کارگری را شامل نمیشود و رهبری مبارزه کارگران آن واحد شرکت کنند. این متا رکت پیروزی مبارزه را بیشتر تا مین می کند و استفادها که ملترا تجربیات سازات گذشته کارگران را میسر می سازد. از اینرو اعضای هسته مخفی می تواند نندگرایش های سیاسی و تفکار اجتماعی و اعتقادات مذهبی متفاوت داشته باشند. مهم آن است که آنان محرب، مطمئن و در رهبری مؤثر باشند و بتوانند مبارزات توده ای و سندیکاگی کارگران را در دوره مختلف آن هماهنگ کنند. هسته وحدت عمل همه کارگران را مرنظر ارفعا بدنبسی سیاسی آنان در مبارزه سازمان می دهد. از اینرو ترکیب و وظایف هسته مخفی با ترکیب و وظایف حوزه حزبی یکی جداست.

وظایف هسته های مخفی، همان وظایف رهبری جنبش کارگری در سطح واحد مربوط است. در شرایط کنونی مبارزه در راه افزایش دستمزد، بسود و شرایط زندگی و کار کارگران، جلوگیری از اخراج خود سرانه کارگران، تدوین و تصویب قانون کار مترقی، کسرتش نقش تشکیلهای سندیکاگی و تهاوتی کارگری و نیز مبارزه در راه استقرار مملوتتا مین آزادی و حقوق دمکراتیک کارگران، افشای سیاست ضد کارگری حکومت و نهاد های سرکوب و عوا مل مرتجع آنها، بخش اخبار، مبارزه و مفاست کارگران و دیگر اقتار خلق، روفوس و ملاف این هسته ها هستند.

انجام طبق برنامه و تفقته این وظایف برای فعالیت بخش هسته ها، حوا تهاست جدی است تشخیص اینکه کدام خواست از مجموعه مطالبات کارگران در لحظه معین، حمایت بیشترین کارگران را جلب می کند اهمیت فوق العاده دارد. پس از آن هسته مخفی باید نقشه روشن، در گرفتن آن خواست طراحی کند. تنظیم خواست کارگران، چگونگی جلب بیشترین نیروی کارگران را مبارزه، جستجوی راههای برخورداری از حمایت کارگران و ادهای دیگر، افزایش سهم تشکل علنی کارگری در رهبری مبارزه، پیش بینی اشکال مناسب حرکت و تجمع کارگران، چگونگی بی اثر کردن عوامل ارتجاع، پیش بینی راههای مقابله با بورژوازی نهای سرکوبگر رژیم و غیره در برنامه عمل هسته باید مورد توجه قرار گیرد. رهبری طبق نقشه، امکان ات پیروزی کارگران را افزایش می دهد و آنان را برای پیشبرد مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگری آماده تهاست می سازد.

مبارزه فعالین جنبش کارگری در راه افزایش تعداد، بسهم و نقش هسته های مخفی در رهبری مبارزات کارگری در راستای سازمان سیاسی هر چه بیشتر جنبش کارگری ایران است. برای پیروزی مبارزه توده کارگران در تهاست های آینده، تشکیل هسته های مخفی فعالین کارگری ضرورت عاجل دارد.

جنبش کارگری با هدف دستیابی به اهداف صنفی و طبقه ای و در مبارزه برای کسب آزادی و حقوق دمکراتیک کارگران است که با آرمانهای سرکوب رژیم و حکومت جمهوری اسلامی نبردی میکند. اکنون اعتماد، کم کاری، تحمن، مراجعه دادخواهان به مسئولین، طومار نویسی و غیره اشکال رایج مبارزه کارگران است. هر نوع تلاش هسته مخفی جهت تمیل یک تشکل مبارزه در حکم آسیب زدن به رابطه هسته با آن گروه کارگران است که تا دگی نرسد آن تشکل مبارزه را بکار گیرند. بر این اساس هسته مخفی چه لحاظ شرایط عمومی کشور و چه لحاظ سطح تشکلها جنبش کارگری، همان کمیته اعتماد نیست. هسته مخفی، سندیکاگی مخفی هم نیست اما سندیکاگی یا هر نوع تشکل صنفی که از نظر کارگران مخفی باشد، بی معناست. سپردن وظایفی که سندیکاگی تشکیلهای کارگری بعهده می گیرند به هسته های مخفی هم به کجراه کشیدن کارگران ترسین فعالین کارگری و هم محروم کردن کارگران از تجربه مؤثر آنسان است.

علاوه بر آن جنبش کارگری شناسایی حق تشکیل سندیکاگی کارگری را با دادن تقریباً نهای بشمار رژیم و بهلولی تمیل کرد. البته رژیم متغور بهلولی مبارزه کارگران را با سرکوب مواجه میساخت و امکان تشکیل آزادانه سندیکاگی مستقل کارگری را از زمان برداشت، با این همه شناسایی این حق به تنهایی پیروزی بزرگی برای کارگران بسود و رژیم شاه هرگز جرات یافت آنرا پس بگیرد. این حق در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز قید شده و رسمیت یافته است. این رژیم نیز جرات جرات نیافت که این حق را بطور رسمی بازستاند. اما تلاش ارتجاع همواره متوجه آن بوده و هسته کسه تشکیلهای کارگری را متلاشی میساختند. تلاشهای ارتجاعی توکل و زیرساختی کار و تلاشهای تحصیل پیش نویس جدید قانون کار و لایحه کذا فی شورا های اسلامی همین هدف را تعقیب کرده می کنند. اما این تلاش ها هیچکدام به نتیجه مطلوب نرسیده است. بسیاری از تشکل های کارگری باقی مانده اند، برخی کانون های منطقه ای کارگری بحیات خود ادامه می دهند. هم اکنون برخی تشکیلهای کارگری بسوزه در بخش تهاوتی مبارزات کارگران را رهبری می کنند مبارزه توده کارگران تشکیلهای موجود را فعال تر می کند و رهبری آنان را تحت فشار می دهد تا خود را هر چه بیشتر با مواضع کارگران منطبق سازند. این مبارزات زمینه ایجاد تشکل های جدید کارگری را فراهم می کند. نشاندهنده هسته مخفی بجای تشکل رسمی و علنی کارگری جرفه تشکیلهای موجود از مبارزات جاری کارگران، جز منصرف کردن مبارزه کارگران و تشدید خصلت خود بخودی مبارزه آنان، هیچ نتیجه دیگری نمی تواند داشته باشد. هسته مخفی در برابر تشکیلهای علنی کارگری قرار ندهد، بلکه تشکیکها و تضمین کننده تهاوت فعالین آن است. رهبری تشکیلهای علنی و مستقل کارگری بخشی از رهبری جنبش کارگری است که مبارزات کارگران را علنی رهبری می کند و هسته مخفی بخش دیگر آن است که در خفا به وظایف خود عمل می کند. این دو مکمل





شکنجه و کشتار اسیران جنگی محکوم است

گزارش صلیب سرخ جهانی درباره کشتار اسیران جنگی عراقی در اردوگاه کرگان که در جریان دیدار نمایندگان صلیب سرخ از این اردوگاه به وقوع پیوست بود، در گذشته همچنان از روی پنهان ماندن موضوع بوده است...

دفاع از کارگران مبارز برانگیزد و انتقال تجربیات کارگران مبارز را به سایرین موجب می شود. کارگران وقتنی همدیگر را در حال مبارزه می بینند نیاز عمیق خود را به اتحاد و تشکیل عقیده بازمی شناسند...

فاجعه بوفال

بر اثر نفش گازهای زهرآگین از کارخانــه تولیدکننده موادحشره کش سیسی ازدهزار اروپایند تین از مردم شهر بوفال هند کشته و سزیدیک به بیجا هزار نفر مسموم گردیدند و عده زیادی نیز سبائی خود را از دست دادند و بیم آن وجود دارد که بیماریهای واگیر در بین مردم این شهر شیوع پیدا کند.

مردم بوفال بعد از گذشت چند هفته از این حادثه بدلیل خطر نشت باقیمانده گازهای زهرآگین محصور شده اند از شهر کوچ کنند و در اطراف آن چادر زنند. این اتفاق در بندک ناسف و تالم هساطر مردم هندوستان و سایر کشورهای اروپا تکیه و تکیه های جهانی را از وجود انزوه اسرافتی مواد سمی و باکتریایی و آفریده است...

اعتصاب کارگران ساسان و عوامفریبی مسئولان حکومتی

بازتاب گسترده مبارزه فرمانان کارگران شرکت ساسان، که نمودار برجسته ای از کنشش اعتراض و مبارزه کارگران علیه اقدامات وسوسه انگیزی ضد کارگری رژیم بوده است مسئولان حکومتی را بر آن داشت تا همچنان به کمینگ این رویداد بپردازند و رسماً متکر آن شوند...

شرکت ساسان که زیر پوشش "سیاد مستمعین" است ۴۰۰۰ کارگر دارد که در سه شیفت کار میکنند. در حالیکه درآمد بسیار بالایی است سطح دستمزد کارگران ساسان پایین نگهداشته شد...

در این جریان احمن اسلامی اعتراضی تمامات تحولات درون کارخانه را به اوین گزارش میکند و با آن و بنیاد سرکوبگر علیه کارگران همکاری میکند، احمن اسلامی با این همکاری مورد نفرت سسیر کارگران قرار گرفته است...

نلان مسئولان جمهوری اسلامی برای جلوگیری از انعکاس مبارزات کارگران، دهقانان و دیگر رزمندگان را به در بر تو فعالیت هر چه گسترده تر سروهای اغلابی جنگی کرد. انعکاس مبارزات کارگران هر کارخانه ای که ساسار کارگران الهام د آید و رهنمود میدهد، انعکاس خیر و چندوچون مبارزه کارگران هر کارخانه به سایر کارگران علاوه بر اینکه می تواند حمایت دیگران را در

مردم علیه کفکایه... بقعه از صفحه ۸
مردم با چرا گذاشته اند. سپاه پاسداران از انرا مستعفی میبالم کلانی را بعنوان حریبه احاد میکنند، استقرار طبع بمبناه یک خواست جدید در میان سر بازار در یادگنها وحشه هاجش مسخوره، عده ای از جوانان از آمدن درسیا پاسداران خودداری میکنند. اخیرا حدود ۶۰ نفر از مسئولین خدمت وظیفه که توسط دولتوسوسه از مناطق شمالی کشور برای تحویل به سپاه پاسداران باختران آورده شده بودند معسوا اعتراض بصدت دروز از اتوسوسه بپاده شدنت آنها حاضر نودند خدمت بر بازی خود را درسیا بگذارند. در مواردی سر بازار هنگام حمله عید میشوند و با بطور جمعی از انجام عملیات نظامی خودداری میکنند. برخی از سر بازاران قتل و ا د حین عملیات "خودزی" میکنند تا به یکدیگر جنبه منتقل شوند...

مسئول این فاجعه اغفناک دولت ریگسان و شرکت جندمیلتنی "یونیون کاربید" می باشد. دولت ریگسان بخاطر منافع انحصارات، قانونسی را که بموجب آن شرکت های امریکایی که در سایر کشورها کار میکنند را موظف میکرد از همسان مقررات تأمین ایمنی کار که در خود امریکا وجود دارد پیروی کنند لغو کرده است... دولت ریگان تا لغو این قانون، دست شرکت های امریکایی را برای کسب حداکثر سود حتی بسه قیمت جنین کشتارهای در کشورهای در حال رشد باز گذاشت... دولت مردم هند بروز این حادثه هولناک را نتیجه غارتگری شرکت های جندمیلتنی امریکای و حمایت دولت ریگان از آنان میدانند...

# پشتیبانی گسترده از کارگران اعتصابی ذوب آهن

اعتصاب بزرگ کارکنان ذوب آهن امشب مهمترین رویداد آذرماه و از زهرنازترین رویدادهای جنبشی کارگری ایران در سالهای اخیر است. این اعتصاب که با شرکت بیش از ده هزار کارگر از کارکنان ذوب آهن در اعتصابی به طرح اربخانی، تعاضی کردن بیوسوز پیوست، هلی جیدروزی که ادامه یافت نمونه‌ای از تعاض و مقاومت با همه کارگران در مقابل دسایس و نوطه های سرکوب گران رژیم پارسایی گدانت.

معاض و همبستگی کارکنان ذوب آهن در بین کارگران میهن مان و همچنین محافل کارگری مترقی جهان با نجات گسترده ای یافت. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و کمیته مرکزی حزب داده اسطوطه رژیم علیه موجودیت ذوب آهن و کارگران این کارخانه را اشنا نمودند. در امشب تهران، تبریز، اراک، سنراز، هوزین و... کارگران واحدهای تولیدی متعددی به اشکال گوناگون همبستگی خود را با اعتصاب کنندگان اعلام دادند.

تناسی از مطوعات مترقی و کارگری جهان خبر مربوط به این اعتصاب و اعتراضی سازگوار منگس نمودند. از جمله میوان انترزیه او ما سته ارگان حزب کمونیست فرانسه - عصر ما ارگان حزب کمونیست آلمان - سخن شمالی ارگان حزب کمونیست و کارگری نوبه - و ارا با س ارگان حزب سوسیالیست متحد برلین غربی و ستره مورنیک ستارا ارگان حزب کمونیست برنسا مارانا مردم.

علاوه بر تناسی از سئکلهای کارگری کشورهای مختلف سیاسی خود را از اعتصاب بیون اعلام و اقدامات سرکوب گران رژیم را محکوم نمودند.

با هم سوزن هماهنگ گننده اعتصاب معددیجان با ه گس اکلسان، انا کادکا ارگان و دان سجویان بزرگ ممم کابل و انکاد کارگران فلسطین نورسرت و... ارا اعتصابی پشتیبانی نمودند که عنسوان

نمونه بیام پشتیبانی کنفدراسیون فرانسوی کار (ت. ژ.ت.) قدرتمندترین شکل کارگری این کشور را که میلیونها کارگر تحت پوشش دارد در ذیل درج می کنیم.

**بیانیه پیرزاتسو، دبیر کنفدراسیون فرانسوی کار (ت. ژ.ت.) در پرتساره جنبش اعتصابی در ایلنبران**

اعتصاب بیش از ده هزار زحمتکش محتسب ذوب آهن امشب، نشانه ردسیاستهای جنبشی توسط زحمتکنان ایران است. سیاستهایی که درسیاستی زمینه خرابیت کار روزندگی همسبب بوده های زحمتکار و خشمگین ترمی کند.

اعضا و سازمانهای کنفدراسیون فرانسوی کار (ت. ژ.ت.) که مدافعین و نادر حقوق پیشرو آرادسیای سنیکیایی و دمکراتیک هستند، ایمن رژیم را که تنها نظریه اعمال نفرت انگیزترین نوع سرکوب علیه مبارزان راه آزادی و دمکراسی، به حیات خویش ادامه می دهد، محکوم می کنند.

زحمتکنان ایران می توانستند مطمئن باشند که "ت. ژ.ت." با آنان احساس همبستگی کامل می کند و فعالیتها و خویش را، در جبهت با نیا فتن سرکوب، ا ختنای و شکنجه و بیبرای آزادی همه زندانیانی که گنا هتان دارا بودن عقیده و آرمان دیگری است، به پیش می برد. زندانیانی که دادگاههای فرمایشی شان، نمی تواند سرپوششی با شدر لگد مال شدن سیستماتیک حقوق سترساز طرف رژیم تهران.

موترونی - دسامبر ۸۲

سنا بر آ خرین اختاری که تا کنون بدست ما رسیده کارگران اعتصابی تا کنون موفق شده اند علیرغم مفارقت اعتدالی رژیم بخشی از خواست های خود را به ارتقا تحمیل نماید و اینک ما بر روی کارگران برای رسیدن کامل به خواست های شان ادامه دارد.

نماینده ای کارگران برای اعلام آمادگی، در اداره کل کار و خوار اجتماعات استان آذربایجان شرقی نشننا م کنند تا انتخابات پس از ناید صلاحیت دا وظلمین انجام گیرد. اما اداره کار از میانگان کاندیدا هان تنها چند نفر را بسته به انجمن اسلامی ولیمین را صاحب صلاحیت اعلام کرد. در این در میسر ماه در محل کارخانه مجمع عمومی کارکنان را تشکیل صورتنماینده اداره کار برپا کردند. کارکنان را با کارگران در برابر انتخابات فرمایشی این بود که از رای دادن خودداری نمودند. کاندیدایی که از دگرگان بیشتر رای آورده بودند تنها ۶۳ رای داشت.

**مبارزه دانش آموزان در اهسر**

مدیرتباد دبیرستان رشته اقتصاد در اهسر، فردی قوی و مرتجع بود که رسال گذسته بیه سبانه های گوناگون، دانش آموزان را تنهیه و نانت می کرد. رسال جدید دانش آموزان بطبیور دسته جمعی تصمیم گرفتند تا عزل این مدیر مرتجع، از سب نام درام دبیرستان خودداری نمایند. نشناب مسکولین آموزش و بیوروش اهسر، درهم شکست اتحاد عمده مبارزه جویانه دانش آموزان ره بحالی نمود. بالاخره به دستور دبیران این اداره، دبیرستان مزبور را منحل کردند و دانش آموزان را به دیگر مدارس منتقل ساختند. در مدار سرتازه که پیش از این نیز با تراکم شیدید دانش آموزان را برای وقت بعضی از ساعات درسی را برای بعد از ظهر و شب مقرر کردند. در اعتراض به این وضعیت، دانش آموزان یک سار دیگر حرکات اعتراضی را از سر گرفتند و دست بیه اعتصاب زدند. آنها ضمن اعتصاب در برابر مدرسه بست نشنند. این حرکت اعتراضی دانش آموزان پس از دوروز با پیروزی خاتمه یافت.

در همین شهرستان از سوی سیاه پاسداران فرمی در میان همه دانش آموزان مدارس پارسا سه شهروزیع شد. این فرم تقاضا نامه برای عضویت در سیاه بود و دانش آموزان خواسته شده بود آنرا بر ما یسد. این اقدام اعتراضی تند در میسبان دانش آموزان و والدین آنها را انگیخت. اکثریت دانش آموزان در همان محوطه مدرسه با ششم ایمن فرما راپا ره کرده و دوراندا ختنه، انفرادسیاه با اطلاع از واقع، وارد مدرسه شده، دانش آموزان را تهدید کرده و فرما را طلب کردند. آنها سیاه دانش آموزان را "ضد انقلاب و نامسلمان" نامیدند. نتیجه تهدیدات آنها این شد که نامسلمودی از فرمایشی را که هنوز سالم باقی مانده بود، پسر نشنه پس گرفتند و دست از زاریا رزگشتند. سئواولات این فرما، نشنیش عقا بیدکا مسل، دعوت آنکاره جا سوسی و خبرجینی و مداخله بی سرده در جزئی ترین مسائل و مسائل شخصی نمود.

## تظاهرات مردم تهران

پس از رویدادهای هفدهم آبان در ورزشگاه جدید، چندین بار دیگر نیز اجتماعات ورزشی تبدیل به صحنه تظاهرات توده ای گردید. بطوری که رژیم پس از آن در تهران وسیع سازی از شهرستانها، همه مسابقات فوتسال را "تا اطلاع ثانوی" متوقف کرد.

در هفدهم آبان مردم با بهره گیری از فرصتی که برگزاری یک مسابقه فوتسال فراهم کرده بود، دست به حرکات اعتراضی علیه سرمداران رژیم زدند. مردم خشمگین از سبایه ارتقاعی رژیم در خیابانهای اطراف جدید در خالک شعمار می دادند دستنه راهیمایی زدند. راهیمایی تظا هرگنندگان، علیرغم مداخله خشن ارگانهای سرکوب تا مدتی ادامه یافت.

در دوم آذرماه تظا هرکات دیگری از میدان امجدیه آغاز گردید. این بار نیز یک مسابقه فوتسال امکان تجمع مردم را فراهم آورده بود. تظاهرات دوم آذرماه به سرعت و بلاواسطه بک تظا هرکات سیاسی بدل گردید. تظا هرگنندگان ضمن دادن شعارهایی گوننده از خیابانهای اطراف امجدیه، به طرف خیابانها و محلات مرکزی تهران به حرکت در آمدند. پلیس شهربانی و دیوکارا گسای سرکوب، به مقابله با مردم پرداختند. آنها در آغاز با طوم گزاز شک آورپرتا ب کردند. راهیمایان سادلسری به مقابله برخاستند. با نصب موانع در خیابان راه عبور واحدهای سرکوب را مسدود کرده و سلب آتش کشیدن لاستیک های کهنه سعی کردند اثرات گاز اشک آور را خنثی نمایند. در سایر بخشهای تمام گسخته ارگانهای سرکوب، مردم واکنشی قهرمانانه از خود نشان دادند. چندین اتومبیل پلیس و کمیته و از گون شد. سرکوبگران که نتوانسته بودند رژیم استوار را بهیمایان خشمگین غلبه کنند سبوی آبان آتش گشودند که در نتیجه آن چند نفر کشته و عمده بسیاری مجروح شدند. با وجود این تظاهرات در خیابانهای مرکزی تهران بطور بیگانه تاچندی ادامه داشت.

### فتوئال ها را بر می گردانند

**دهقانان را به شلاق می بندند.**

"مت سفلی یکی روستاهای شهرستان اراک است. اراضی این روستا در پیش از انقلاب در اختیار فتوئالی به نام سلیمان خاسلوکی قرار داشت. این فتوئال از صدان قلابیون سرشاس سلفه و ریسی حزب رستا خیزا راک بود. پس از انقلاب این فتوئال صدان قلابی دستگیر و محاکمه شد. او را در سال ۵۸ حرم جنا بیتهای اعدام کردند. دهقانان مت سفلی اراضی او را مصادره کرده خود سه زیرکشت بردند. سارزه کتا و رزان را شورای روستا هتک ورهسری می کرد.

در سال جاری فرزندان فتوئال معدوم، سرخوردار از پشتیبانی مقامات محلی و ارگا سبای دولتی اقدام به پس گرفتن اراضی دهقانان کردند. در سار بیان تحاور گفتن خانه، دهقانان دست مقاومت زدند و جاز فرزندند، میبایستان را ا در سب بدهند. دانشانی اراک در حمایت از فتوئالها دستور با زدا تن دهقانان منا خور را جاد کردند. حکم دادستانی اعضا شواری روستا را روانه زدان شمودند. مقام قضایی اراک دستور داد، در زندان دهقانان منا رزوا ره حرم مقاومت در سار فتوئالها به شلاق بسدند.

**مسئله مسکن و...** بنده از معصم وادامه کاری لازم جهت پیشبرد و محقق حوائسبای مردم ایران می یاند. سحر فعالیت های معا وسبا و اتحادیه های مسکن کارگری که دساور ده های مهم، داتنه و حرکت، سازمان یافته و دامنه دار در مبارزه برای مسکن بید آورده، معض و سیاسود تشکلهای مسکن و فقدان دیگر تشکلهای بوده ای در محلات پر متن سارزات حاری سبار ختم گسرتی، شرایط موجود و ظایف سبار مهم و مسکنی، را در برابر فعالین سازمان قرار مد هسدد. فدائیان خلق باستانی ضمن شرکت در حل مشکلات مردم، هر جا که زمینه اعتراض بوده ای وجود دارد با بخش فعال و موثر خود در جهت گسترش این اعتراضات و هدایت و سازماندهی و ارتقاء آنها مجذبه بگوشند. تحره نشان میدهسد که همواره افراد فعال و دلشور و مردمی، محفل که در مبارزه جهت حل مشکلات عمومی، پیشقدم هستند نقش بسیار موزری در ساره اداحتسب و پیشبرد حرکت های اعتراضی دارند. گوش در جهت یاری گرفتن از این افراد و هدایت آنان، بخصوص در وضعیت فقدان تشکلهای توده ای اهمیت بسیار دارد.

باید بر زمینه اعتراض مردم و مرمتن افشا هره و وسیعتر سیاستهای حکومت شعارها و برنامه سازمان برای حل مشکل مسکن راه میان مردم ببریم و آنها را برای حل مشکلات جویس "مهمبتر سازمان" سازیم.

### مردم علیه کمک به جبهه‌ها ، علیه اعزام به جبهه‌ها

### گسترش تبلیغات سیاسی سازمان و تشبثات رژیم

اخیرا تلاشهای مسئولان و ماموران جمهوری اسلامی برای خنثی کردن فعالیت فدائیان ، به ویژه تلاش آنها برای دستیابی به مراکز انتشاراتی و متوقف کردن و از بین بردن تبلیغات سازمان شدت بیابا بقای یافته است تاکنون بخشنامه‌ها دستورالعمل‌های بسیاری از سوی نهادی اطلاع‌آتی و امنیتی رژیم صادر شده که مضمون آنها منع گسترش این تشبثات و رژیم علیه سازمان است . از جمله ری شهری وزیر اطلاعات و امنیتی جمهوری اسلامی بخشنامه‌ای خطاب به دادستانی‌ها ، کمیته‌ها و سپاه پاسداران صادر کرده و از آنها خواسته است که بعط تشدید فعالیت فدائیان خلق ( اکثریت ) اقدامات ویژه‌ای جهت «متلاشی کردن» تشکیلات مابکار گیرند و بقول خود هر چه زودتر تشکیلات فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) را از میان بردارند . دادستانی به اصطلاح انقلاب نیز بخشنامه دیگری صادر کرده و به ارگانهای تابعه خود تر موده است : « اخیرا متوجه شده‌ام که گروه‌های اکثریت (ا) علامیه و تراکت در سطح وسیع پخش میکنند . لذا تمام ارگان‌های تابعه موظفند که در جهت شناسائی و نابودی آنها اقدامات گسترش یافته را انجام دهند . »

شهریاتی جمهوری اسلامی نیز از قافله مغایله گران عقب نمانده و بخشنامه جدیدی منبیر مغایله با فعالیت سازمانهای انقلابی صادر کرده است . در این بخشنامه گفته شده فدائیان توده‌ای به نیروهای خود را سازمان داده و مخفیانه مشغول فعالیت هستند و می‌خواهند شرایطی نظیر سالهای ۵۶ و ۵۷ را به وجود آورند . شهریاتی جمهوری اسلامی به تبعین خویش فرموده است که باید بقول خود افراد وابسته باین سازمانها دستگیر و تشکیلات آنها نابود گردد . !

ارگانهای سرکوب رژیم برای اجرای این وظایف ضد انقلابی و تبهکارانه بیگ سلسله اقدامات دست می‌زنند . از جمله آنها تعقیب و مراقبت برای دستیابی به مسئولان و فعالین سازمان مارا شدت داده اند و همچنین تلاش میکنند تا ماموران خود را در صفوف نیروهای سازمان رخنه دهند . تشدید این قبیل تلاشهای رژیم ، خصوصا کوئته‌های آن برای خنثی کردن تبلیغات انقلابی سازمان روشن و قابل فهم است برای کسانی که پیش از هر چیز از اشاعه آگاهی انقلابی در میان توده‌های میلیونی متعرض هراس دارند هر چیز میتواند ترساک تر از این باشد که تا حدی هدبش شدن اسناد افشاء کننده خود ، شاهدیخ نشریکات پیشاهنگ طبقه کارگر در میان توده‌ها باشد ؟

برای مرتجعینی که تلاشها بکنان برای دستیابی به رهبری و متلاشی کردن سازمان ماعقب مانده است چه چیزی بیش از بخش وسیع ارگان مرکزی و دیگر نشریات کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) میتواند مانع ختم شود ؟ فدائیان خلق تراکتها ، اعلامه‌ها و نشریات سازمان خود را در سراسر کشور پخش میکنند و نشریات سازمان را بر دیوارهای شهر و روستا ، و بر دیوار کارخانه‌ها و ادارات نقش میکنند . فدائیان خلق همچنان که در سخت ترین شرایط دربر تو هوشاری و کار بست در سایر ضرورت تشکیلاتی این وظایف خود را انجام و گسترش داده ، اینک نیز با افزودن دست و هوشاری انقلابی و بکارگیری همه تدا بفرلام جهت مقابله با نیروک‌های کوسا کون دشمن ، با بررسی مداوم و دقیق روش‌های مختلفی که ارگان‌های سرکوب بکار می‌بندند ، و یافتن راه مقابله مناسب با آن مامورین سرکوب رژیم را در اجرای فرامین حکام مستبد ساکام جواد گذاشت .

امروز فردان نیز باخ فدائیان به دشمن جزانجام و گسترش بیگبکرانه وظایف انقلابیان نسبت .

کار خواست که آمار سال گذشته دا وطلبان اعزام به جبهه‌ها از کارخانجات کرج را بسا اسال مقایسه کند و به بیند که چگونه سیر نزولی طی میکند ( کبان ۱۶ آبان ۶۳ ) . شش نفر از کارگران کارخانجات کرج وین ، که به زور به جبهه فرستاده شده بودند با اعتراض آنان و خانواده‌ها هایشان به خانه وکاتانه خود بر میگرددند . کارگران ایران یاسا در هفته جنگ حاضر نشدند که ۴ ساعت بخاطر جنگ اضافه کار کنند . در کارخانه البرز از ۴۰۰ نفر کارگر زن تنها ۸ نفر حاضر شدند لیست جمع آوری یک روز حقوق برای ارسال به جبهه‌ها را امضاء نمایند . در کارخانه پارس خودرو کارگران نسبت به ارسال سود ویژه به جبهه‌ها اعتراض نمودند که مدیریت محبور به پرداخت سود ویژه کارگران شد . در شرکت گلکوز و نشاسته کارگران نسبت به اختصاص یک روز حقوق به جبهه‌ها به اعتراض برخاسته و مسئولین شرکت را مجبور کردند یک روز بجنبه را بجای آن تعطیل کنند .

در کارخانه سیان ایک ، تصفیه رفتی تهران (اسو) کارخانه ورامین شماره ۱ و ۲ و در تعداد دیگری از کارخانه‌ها کارگران حاضر نشدند که حقوقشان جهت کمک به جبهه‌ها ی جنگ کسر شود . دهها نمونه از این رویدادها هر روز در کارخانه‌ها و کارگاهها اتفاق می‌افتد .

دهقانان از کمک‌های جنسی و مالی به جبهه‌ها خودداری میکنند . روستائیان علیرغم فشارهای شدید مامورین فرزندانشان را راهی قتل‌گاه نمی‌کنند . آنها بدرستی میگویند : برای چه جوانان ما به جبهه‌ها بروند ، در این صورت زمین‌ها را چه کسی باید بکارد ؟ نمونه‌های بسیاری از مقاومت دهقانان که در زیر به آ آنها اشاره میکنیم هر روز در روستاهای سراسر کشور اتفاق می‌افتد . در روستاهای هولی لان و اردلان از توابع ایلام هر بار که مامورین رژیم برای سرزنگیری به روستاها حمله میکنند ، جوانان برای فرار از دست مامورین به کوه پناه می‌گیرند .

در روستای " دسد " از توابع شهرستان اراک ، پاسداران همراه با زاندارها سادان مسئولین را بازداشت کرده و بعد از انتقال به اراک زندانی میکنند . در زندان به مادران گفته میشود که باید محل اختفاء و زندگنی فرزندان خود را بگویند ، در غیر این صورت هم چنان در سزاداشت باقی خواهند ماند .

در پارس آباد دهقان سپاه پاسداران مدت‌ها قبیل عده‌ای از جوانان روستاهای اطراف را درواحد هائی بنام هسته‌های مقاومت روستایی سازمان داده بودند تا برای شرکت در جنگ آنها را بکار کنند . چندی قبل سپاه از اعضا این هسته‌ها میخواهد تا برای رفتن به جبهه‌ها ثبت نام نمایند . از میان ۴۰۰ نفر عبور سعی این هسته‌ها که سپاه به آنها مراجعه کرده بود ، حتی یک نفر هم حاضر به اعزام به جبهه‌ها نشد .

همه مردم علیه جنگند ، زنان دیگر بجه پشت جبهه‌ها کمک نمی‌کنند . مادران مانع اعزام فرزندانشان به جبهه‌ها میشوند . مراسم سوگواری و تشییع جنازه به مرکز ابراز تنفس و آزار مادران نسبت به جنگ تبدیل شده است . زنان در صف خرید و در تجمع‌های مختلف آشکارا سیاست جنگ طلبانه رهبران جمهوری اسلامی را افشاء میکنند . شهرها و روستاهای بیملاران شده به صحنه اعتراض توده‌ای تبدیل شده‌اند . پدران و مادران داغ دیده با کین و نفرت نسبت به ادامه جنگ در تظاهرات شرکت می‌جویند و علیه حکام جمهوری اسلامی شعار میدهند . معلمین و کارمندان در جنبش اعتراضاتی علیه ادامه جنگ فعالانه شرکت دارند . اعتراض آنان نسبت به کسر حقوقشان برای کمک به جبهه‌ها تشدید میشود ، ناراضی نسبت به تداوم جنگ در بین پرسنل ارتش و سپاه افزایش یافته است . عده‌ای از کادریهای نظامی با شکل مختلف از رفتن به جبهه‌ها خودداری میکنند . استعفا در بین پرسنل ارتش و سپاه چشمگیر است بگونه‌ای که مسئولین مقررات سختی در این بقیه در صفحه ۶

آیت الله خمینی در دیدار اخیر سردمداران حکومت با وی با رد دیگر ضمن حمله شدید به مخالفین جنگ اظهار داشت که " اگر کسی بگوید ما جنگ کنیم مخالفت‌آن است . " وی از جوانان خواست که نسبتا متعاطف رژیم مدام و استقرار جمهوری اسلامی در عراق بکنند ، بلکه " تا آنجا که قدرت دارند نبرد کنند تا فتنه از عالم بر دانه شود ."

آیت الله خمینی بشعار " جنگ جنگ تا پیروزی " سده نگرده و شعار " جنگ تا رفعت منتهی در عالم " که از نظر ایشان استقرار جمهوری اسلامی در سراسر جهان است را سرداندند . ایشان جنگ را بعنوان بزرگترین رحمت بر مردم ستودند ، جنگ را رسالت بزرگ بپا میران تعریف کردند و بطور مشخص جنگ را بعنوان وسیله عمده توسعه اسلام و انقلاب اعلام کردند .

اطهارات اخیر آیت الله خمینی با ردیگر آشکارا نشان میدهد که ایشان برای دستیابی به آرزوهای خویش و به اصطلاح " صدور انقلاب " جمهوری اسلامی حاضرند خون میلیونها رن و مرد و پسر و جوان در میدانهای جنگ ریخته شود ، شهرها و روستاهای کشور ویران گسردد ، اقتصاد کشور تخریب شود و زندگی مردم با زهم و حیم تر شود .

جنگ خانمانسوز ایران و عراق تاکنون مناسبت بشمار وفجایع بزرگی را برای مردم رنج دیده کشورمان سار آورده است . مردم بلایا و فجاجیج جنگ ویرانگر را با کوشش و پویست خود لمس میکنند و به مخالفت و اعتراض علیه آن بر میخیزند . اهداف ، شعارها و برنامه‌های جنگ افسروانه رهبران جمهوری اسلامی نزد مردم محکوم است . مردم میبهن ما هر روز با فریاد راستی اعلام میدارند که : جنگ را پایان دهید ، ما صلح میخواهیم !

عواقب اسفبار جنگ بر زندگی روزمره مردم موجب شده است که وسیع ترین اقشار جامعه سوسی مبارزه بیشتر در راه قطع جنگ طلبانه شده و به اشکال مختلف خواهان استقرار جمهوری صلح شوند . در گزارش هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان ما به پلنوم مه‌ماه ۶۳ گفته شد : ادامه جنگ با مخالفت و اعتراض روز افزون توده‌های طلق مواجه است . اکنون بدرستی میتوان از یک جنبش اعتراضی علیه ادامه جنگ سخن گفت که در سراسر مین گسترش مییابد ."

این جنبش با اشکال مختلف در بین مردم تجلی می‌یابد . سردمداران رژیم درمی یابند دیگر آن روزهای شته که توده‌های مردم به درخواست مسئولین داشته دست به مراکز ناموسی سپاه وسیع جهت دفع تجاوز رژیم عراق مراجعه میکردند و کمک‌های عظیم جنسی و نقدی در اختیار مقامات می‌گذاشتند ، سیری شده است ، اقدامات مذبحواجه رژیم برای تامین نیرو و جمع آوری کمک‌های جنسی و نقدی خود گویای این مسائله است .

امتناع جوانان از رفتن به جبهه رژیم را به اتخاذ تدابیر هر چه شدیدتری وامیدارد . زاندارمیری سپاه پاسداران ، شهریاتی وسیع محلات نیروی ویمی را برای بدام انداختن جوانان یکبار گرفته اند . مامورین رژیم مرتبا برای مسئولین احصاریه میفرستند ، سخا هار مراجعه میکنند ، پدرها و مادرها را مورد ضرب و شتم قرار میدهند و در مواردی اعضا خانواده را برای تحویل فرزندانشان بازداشت میکنند و بعنوان گروگان بگنمیدارند . مامورین محل کار ، مناطق رنفت و آمد و زودی و خروجی شهرها را کنترل میکنند ، به سناها ، اتوبوسها و دیگر مکانهای تجمع و برود مردم هجوم می‌آورند تا جوانان را بکوردان از جنگ را به قربانگاه‌ها بفرستند ، با وجود این بیگردهای گسترده ، جوانان به شیوه‌های مختلف از جنگ مامورین می‌گریزند . رهبران جمهوری اسلامی که برای نیل به اهداف خود افریاسی کردن دانش‌آموزان نیز واهمه‌های ندارند ، امروز بیش از پیش خود را در گسبیل آنها به جبهه‌ها تاوان می‌یابند . با وجود تعهداتی که اردانش‌آموزان برای اعزام به جبهه‌ها گرفته میشود ، مرتبا " از تعداد آنان برای مراجعه بمرکز نسبت نام کاسته میشود .

کارگران بردامنه مخالفت خود نسبتا تادامه جنگ می‌افزایند . آنان تشیدا " در مقابل کاهن دستمزد خود جهت کمک به جبهه‌های جنگ مقاومت میکنند . کارگران به جبهه‌ها نمی‌روند و باج بیوستن فرزندانشان به نیروی بیستم می‌شود . این امر آنچنان نمود بارزی یافته که محقق نماینده کرج در مجلس شورا از ورزیر

**با جمع آوری کمک‌های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید .**

کمک‌های مالی خود را به حساب زیروار بکنید

AUSTRIA - WIEN  
BAWAG  
NR. 029 10701 - 650  
DR. GERTRAUD ARTNER

**با نگاه مکتوبه کنید !**

آدرس :  
P1.10  
1091 WIEN  
AUSTRIA

## پیش بسوی جبهه متحد خلق